



حسین مهدی تبار

گشت و زیرساخت‌های نظامی اش را به‌طور کامل بازسازی خواهد کرد.» این حرف‌های یکی از شهر کنش‌نیسان شمال فلسطین اشغالی است که به روزنامه اسرائیل هیوم درباره شرایطی که پس از شروع توفان الاقصی برای شهر کنش‌نیسان ایجاد شده، گفته است. بر اساس آماری که میدل ایست مانیتور منتشر کرده، ۷۰ درصد شهر کنش‌نیسان سرزمین‌های اشغالی به چنین وضعیتی دچار شده‌اند و تمایلی به بازگشت به خانه‌های غصبی خود ندارند. در این شرایط، رژیم صهیونیستی تدابیری برای بازگشت شهر کنش‌نیسان به خانه‌های خود اندیشیده است. از جمله این تدابیر می‌توان به ساخت دیوارهای بتنی به طول ۵ تا ۷ متر اشاره کرد که برای دفاع از شهر کنش‌نیسان در برابر تهدیدات، همراه دوربین‌های حرارتی و تسلیحات خودکار طراحی شده‌اند. علاوه بر این، در هر خانه اتاق‌های ضد بمب و در محوطه شهرک‌ها پناهگاه‌های ضدمشوک تعبیه شده که در مواقع ضروری در دسترس هستند. این پناهگاه‌ها برای مقاومت در برابر جنگ‌های طولانی مدت تجهیز شده‌اند. رژیم صهیونیستی همچنین از کمک‌های مالی و وعده بازسازی سریع خانه‌ها برای ترغیب شهر کنش‌نیسان استفاده کرده است. با این حال، تمام این تدابیر نتوانسته است حتی ۱۰ درصد شهر کنش‌نیسان را به خانه‌های‌شان بازگرداند. در پی حملات حزب‌الله، تعدادی از خانه‌های اشغالگران تخریب یا آسیب دیده‌است. برخی گزارش‌ها رقم خانه‌های آسیب‌دیده را بیش از ۱۰ هزار واحد تخمین زده‌اند. در واقع، احساس ناامنی که حزب‌الله نتوانسته در میان اشغالگران ایجاد کند، باعث شده بسیاری از آنها از بازگشت به خانه‌های غصبی خود امتناع کنند. وسایط کر دل در گزارشی اشاره کرده شهر کنش‌نیسان اسرائیلی که در طول جنگ از شهرک‌های شمالی خود تخلیه شده‌اند، همچنان از بازگشت خودداری می‌کنند و علت آن را نگرانی از امنیت خود و ترس از مقاومت لبنانی می‌دانند. بسیاری از آنها، مانند «ریچل بیتون» از شهرک اوپویم، نگران امنیت خود هستند، زیرا حملات حزب‌الله باعث از کار افتادن سیستم‌های دفاعی شده و آنها را در معرض خطر قرار داده است. این جنگ با تخریب‌های گسترده‌تر همراه بود، به طوری که حملات موشکی، راکتی و پهپادی، هزاران ساختمان و خودرو را از بین برد و اسرائیل مجبور به پرداخت میلیون‌ها دلار غرامت شد. برغم آتش‌بس و پایان مهلت دوره تخلیه، بسیاری از شهر کنش‌نیسانی همچنان در هتل‌ها زندگی و از بازگشت به شهرک‌ها خودداری می‌کنند. در همین حال، بودجه‌های کلانی برای بازسازی زیرساخت‌ها در سال ۲۰۲۵ به دلیل تأخیرات سیاسی مسدود شده و این موضوع مشکلات اقتصادی و امنیتی

«وطن امروز» گزارش می‌دهد: صهیونیست‌ها به شهرک‌های مرزی بالبنان باز نمی‌گردند

همان‌که سید گفت



جدیدی را برای اسرائیل ایجاد کرده است.

این ناامنی ناشی از معادله‌ای است که حزب‌الله از ابتدای جنگ تعیین کرده بود؛ معادله‌ای که طی آن، ناامنی در جنوب لبنان معادل ناامنی در شمال سرزمین‌های اشغالی به شمار می‌آید و حزب‌الله با حملات خود شمال سرزمین‌های اشغالی را به بحران کشانده است. حملات حزب‌الله نه تنها تخریب‌های فیزیکی به همراه داشته، بلکه یک بحران روانی عمیق نیز در میان شهر کنش‌نیسان اسرائیلی ایجاد کرده است. این وضعیت نمایانگر موفقیت حزب‌الله در ایجاد معادله‌ای است که نه تنها تهدیدات نظامی، بلکه بحران‌های روانی نیز برای اسرائیل به همراه داشته است. این شرایط تنها یکی از ابعاد وضعیتی است که ۷ اکتبر برای اسرائیل رقم زده است. در حالی که اسرائیل به دنبال نابودی حماس در جنگ‌های اخیر در غزه بود، شواهد و آمارها حاکی از آن است این رژیم در دستیابی به اهداف نظامی خود علیه حماس شکست خورده است. برغم تلاش‌های فراوان اسرائیل برای تضعیف این گروه، حماس همچنان به عنوان یک نیروی مقاوم و موثر در منطقه باقی مانده است.

اسرائیل در طی جنگ‌های اخیر، حدود ۴۰ هزار سرباز را به غزه اعزام کرد و بیش از ۷۰ هزار بمب بر این منطقه ریخت. با وجود این اقدامات، قدرت حماس همچنان در حال افزایش است. طبق آمارها حدود ۵۰ هزار نفر شهید شده‌اند و ۸۰ درصد جمعیت غزه مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند اما این موضوع نتوانسته به‌طور موثری بر مقاومت حماس تأثیر بگذارد. یکی از اشتباهات عمده اسرائیل این بود که تمرکز خود را

نگاهی به جدیدترین گزارش مرکز مطالعات امنیت داخلی اسرائیل درباره استحکام جمهوری اسلامی ایران

۴۶ سال توهم براندازی

نتوانسته‌اند حرکت‌های اعتراضی گسترده‌ای را به وجود بیاورند.
■ **ناکامی استراتژی‌های خارجی برای براندازی**
در طول این ۴۶ سال، آمریکا و اسرائیل بارها تلاش کرده‌اند با استفاده از ابزارهای مختلف، از تحریم‌های اقتصادی گرفته تا تهدیدات نظامی، نظام جمهوری اسلامی را تغییر دهند. با این حال، هیچ‌یک از این استراتژی‌ها به موفقیت نرسیده است. تحریم‌های اقتصادی که در دهه‌های اخیر بشدت علیه ایران اعمال شده‌اند، نه تنها نتوانسته‌اند جمهوری اسلامی را تضعیف کنند، بلکه در بسیاری موارد باعث تقویت موقعیت ژئوپلیتیک آن شده‌اند. فشار حداکثری دولت ترامپ که به هدف تضعیف جمهوری اسلامی اجرا شد، به گفته تحلیلگران غربی، نتیجه‌ای معکوس داشته و موجب انسجام بیشتر در داخل کشور شد. ایرانیان بویژه در زمان‌هایی که با فشارهای خارجی مواجه می‌شدند، بیشتر به سمت همبستگی داخلی سوق می‌یابند و حمایت خود را از نظام افزایش می‌دهند. به این ترتیب این فرآیند نه تنها جمهوری اسلامی را تضعیف نکرده، بلکه توانایی آن را برای مقابله با چالش‌های داخلی و خارجی بیشتر کرده است.

حمله نظامی اسرائیل به تأسیسات نظامی ایران در اکتبر ۲۰۲۴ قرار بود توان دفاعی جمهوری اسلامی را کاهش دهد اما نه‌تنها جمهوری اسلامی را تضعیف نکرده، بلکه باعث شد بحث براندازی به یک توهم غیرواقع‌بینانه برای مقامات اسرائیل و سیاستمداران غربی تبدیل شود. سیاست فشار حداکثری که در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ بشدت دنبال شد، به گفته خود تحلیلگران غربی، نتیجه‌ای جز افزایش انسجام داخلی جمهوری اسلامی و فشار بیشتر بر مردم نداشته است. این در حالی است که ترامپ خود تأکید کرده هدف سیاست فشار حداکثری، تضعیف جمهوری اسلامی است و نه سرنگونی آن، که این نیز به‌طور غیرمستقیم، به استحکام جمهوری اسلامی اشاره دارد. متن گزارش، با اشاره به کتاب «باختن بازی طولانی» نوشته فیلیپ گوردون تصریح دارد هیچ‌یک از تلاش‌های آمریکا برای

در طول ۴۶ سال گذشته، جمهوری اسلامی ایران تحت فشارهای متعدد داخلی و خارجی قرار گرفته است. با این حال، آنچه به وضوح در این مدت ثابت شده، این است که هیچ‌گاه تلاش برای حمایت بالایی در داخل کشور بر خوردارند که این موضوع یکی از دلایل اصلی دوام و بقای جمهوری اسلامی است.

براندازی جمهوری اسلامی به سرانجام نرسیده است. این واقعیت را می‌توان در تداوم استقامت جمهوری اسلامی، به‌رغم تحریم‌ها، تهدیدات نظامی و فشارهای اجتماعی داخلی مشاهده کرد. استراتژی‌های مختلف برای براندازی جمهوری اسلامی همواره یا شکست خورده یا نتیجه معکوس داده‌اند. گزارش جدیدی که ۴ فوریه ۲۰۲۵ از سوی مرکز مطالعات امنیت داخلی اسرائیل (INSS) به‌هم «از ریمت» در منتشر شده، نشان می‌دهد «پروژه براندازی» نه تنها دشوار، بلکه غیرممکن است. تحلیل‌های گسترده بر این گزارش به امکان‌پذیری، پیامدها و تضادهای ناشی از یک حمله نظامی و تحریم‌های اقتصادی پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که استراتژی‌های براندازی از سوی دشمنان ایران نه تنها ناکارآمد بوده، بلکه حتی منجر به تقویت نظام جمهوری اسلامی شده است. در این یادداشت، با بازخوانی این گزارش و استناد به آن، به دلایل و شواهدی پرداخته شده که نشان می‌دهد هیچ‌گاه قابل با جمهوری اسلامی ایران نه تنها موفق نبوده، بلکه در بیشتر مواقع باعث تقویت موقعیت آن شده است.

■ **استحکام و انسجام داخلی جمهوری اسلامی**

یکی از دلایل اصلی استمرار جمهوری اسلامی ایران در برابر فشارهای داخلی و خارجی، استحکام و انسجام داخلی این نظام است. برخلاف بسیاری از نظام‌های دیگر که در برابر بحران‌های سیاسی یا اجتماعی دچار تزلزل می‌شوند، جمهوری اسلامی ایران از قدرت امنیتی و نظامی گسترده‌ای برخوردار است که به آن امکان می‌دهد هرگونه تهدید را با کرابایی بالایی مدیریت کند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یکی از ارکان اساسی امنیت

سرویس‌های اطلاعاتی هر خطری، اعم از حزب‌الله، حماس یا گروه‌های دیگر را شناسایی و متوقف خواهند کرد.»

علاوه بر مسائل نظامی، اسرائیل در عرصه سیاسی نیز شکست خورده است. جنگ با حماس و گروه‌های فلسطینی دیگر، باعث شده اسرائیل با چالش‌های سیاسی داخلی و بین‌المللی روبه‌رو شود. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات اسرائیل، انزوای فزاینده‌ای است که در سطح جهانی به وجود آمده است. به‌رغم حمایت‌های اولیه غرب، فشارهای بین‌المللی علیه اسرائیل افزایش یافته و بسیاری از کشورهای غربی انتقاداتی شدید از اقدامات اسرائیل در غزه داشته‌اند. این وضعیت نشان‌دهنده شکاف‌های عمیق میان سیاست‌های اسرائیل و نگرش‌های جهانی است.

در داخل اسرائیل نیز اوضاع چندان مطلوب نیست. سیاست‌های نتانیاهو و ائتلاف‌های اجباری با احزاب افراطی و اولترا ارتدوکس، شکاف‌های جدی در جامعه ایجاد کرده است. این شکاف‌ها به بحرانی جدی تبدیل شده که نه تنها موجب نارضایتی بخشی از اسرائیلی‌ها شده، بلکه موجب افزایش بحران‌های اقتصادی و اجتماعی شده است.

در نهایت، اسرائیل در جنگ جاری نه تنها از نظر نظامی، بلکه از نظر سیاسی نیز شکست خورده است. انزوای بین‌المللی، شکاف‌های داخلی و فقدان یک استراتژی سیاسی پایدار، نشان‌دهنده این واقعیت است که اسرائیل در حال گرفتار شدن در بحران‌های پیچیده داخلی و خارجی است.

همان‌طور که فلران‌فرز نوشته است، «روال اسرائیل آغاز شده است!»

پنجشنبه ۲ اسفند ۱۴۰۳
وطن امروز | شماره ۴۲۶۰
 [بین‌الملل]

نگاه

تهدید مذاکره، تهدید تحریم

ادامه از صفحه اول

جنگ شناختی آمریکا در مذاکرات با ایران به ابعدای پیچیده و گسترده دست می‌یابد. این جنگ از تکنیک‌های روانی و رسانه‌ای برای تغییر و جهت‌دهی به افکار عمومی و تأثیر‌گذاری بر نهادهای اجرایی ایران استفاده می‌کند. این تکنیک‌ها بویژه در راستای اعمال فشارهای استراتژیک و امنیتی به‌کار می‌رود تا ایران را به پذیرش شروط ایالات متحده وادارد.

ایجاد امید کاذب یکی از تکنیک‌های جنگ شناختی است که آمریکا در مذاکرات هسته‌ای از آن به‌طور موثر استفاده کرده است. واشنگتن با وعده‌های غیرواقعی تلاش می‌کند فضای مثبتی در افکار عمومی ایران ایجاد کند تا فشار داخلی برای مذاکره افزایش یابد. در شرایط بحران و تحت فشارهای اقتصادی، ایالات متحده از این تکنیک‌ها برای تقویت جریان‌های داخلی همسو با خود بهره می‌برد تا مذاکرات را به عنوان تنها راه‌حل مشکلات معرفی کند.

آمریکا در این فرآیند، با نفوذ در برخی گروه‌ها، رسانه‌ها و شخصیت‌های سیاسی داخلی ایران، مخالفان مذاکره را به عنوان «تندرو» یا «غیرمنطقی» معرفی می‌کند. این تکنیک در شرایط بحرانی به افزایش فشار داخلی برای پذیرش مذاکره منجر می‌شود.

یکی دیگر از استراتژی‌های آمریکا در جنگ شناختی، وقت‌کنشی و فرسایش راهبردی است. ایالات متحده با ایجاد وقفه‌ها و تعلیق‌های موقت، ایران را در شرایط فرسایشی قرار می‌دهد و از این طریق توان کشور را تضعیف می‌کند. در توافق هسته‌ای برجام، این استراتژی به وضوح مشاهده شد که تحریم‌ها نه‌تنها حفظ شد، بلکه گسترش یافت.

در صورت عدم پذیرش شروط یک‌جانبه، آمریکا به ابزارهایی مانند تحریم‌های هوشمند و تهدیدات نظامی متوسل می‌شود. این فشارها هدف‌گذاری شده‌اند تا قدرت چانه‌زنی ایران را تضعیف کرده و آن را مجبور به پذیرش شرایط خود کنند.

ایالات متحده همچنین از تکنیک‌های جنگ شناختی برای ایجاد بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در ایران بهره می‌برد. اعمال تحریم‌های هدفمند، قطع روابط تجاری و حملات سایبری به زیرساخت‌های حیاتی، باعث تضعیف توان داخلی ایران و ایجاد آشوب اجتماعی می‌شود. این فشارها می‌تواند به افزایش تمایل برخی گروه‌ها برای پذیرش مذاکره و تغییر سیاست‌ها منتهی شود.

در نهایت، آمریکا تلاش می‌کند مذاکره را به عنوان ابزاری برای تسلط بر ساختار سیاسی، امنیتی و نظامی ایران به‌کارگیرد. از طریق اعمال فشار بر نقاط ضعف داخلی و استفاده از عملیات روانی، ایالات متحده به دنبال نفوذ غیرمستقیم در ساختار قدرت ایران است.

زمانی که دشمن به این نتیجه رسید قادر به سرنگونی جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود، استراتژی خود را به سمت استحاله ساختار داخلی ایران تغییر داد. ایالات متحده به جای تلاش برای تغییر نظام از بیرون، به دنبال تغییر ماهیت درونی جمهوری اسلامی است، به گونه‌ای که ساختار ظاهری آن همچنان به عنوان یک نظام انقلابی، اسلامی و جمهوری‌خواه حفظ شود اما در حقیقت، اصول و اهداف بنیادین آن تغییر کرده و به نوعی به ابزار تحقق منافع و اهداف خارجی تبدیل شود. این استراتژی که به نوعی «استحاله نرم» نامیده می‌شود، بر تضعیف تدریجی توان دفاعی و استقلال سیاسی ایران متمرکز است.

در این فرآیند، دشمن تلاش می‌کند نهادهای داخلی ایران را به‌طور غیرمستقیم تغییر دهد و این تغییرات را به‌طور پنهانی در عمق ساختار قدرت کشور نهادینه کند. نفوذ غیرمستقیم آمریکا از سوی فرآیند، دشمن تلاش می‌کند حتی اسرائیل نباید امید واهی به تغییر حکومت در ایران ببیند، زیرا تمام راهکارهای موجود، با اجرا شده و شکست خورده‌اند یا پرهزینه و نامطمئن هستند. جمهوری اسلامی از بحران‌های گذشته به عنوان فرصتی برای افزایش اقتدار خود استفاده کرده است. استراتژی‌های غربی، برخلاف آنچه تصور می‌شود، نتایج معکوس داشته‌اند. جمهوری اسلامی با تکیه بر انسجام داخلی، نیروهای امنیتی و نظامی قوی و استراتژی‌های منسجم خود در برابر تهدیدات داخلی و خارجی ایستاده است. با نگاهی به دهه‌های گذشته به وضوح می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران همچنان پابرجاست و هیچ‌یک از استراتژی‌های دشمنان برای براندازی آن موفق نبوده است. در حقیقت، جمهوری اسلامی با عبور از بحران‌ها و چالش‌های متعده، به عنوان یک قدرت منطقه‌ای همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد و در آینده نیز قادر به حفظ خود خواهد بود.

